

تشکیل اتاق فکر تئاتر تلویزیونی؛ از اهداف تا عملکرد

اتاقی از آن خودشان

◀ **نورا حسینی**

با تشکیل اتاق فکر تئاتر تلویزیونی در اواسط دومین ماه پاییز تابخیش فانیان نویسنده، کارگردان و استاد دانشگاه، رئیس اتاق فکر تئاتر و رحمان سیفی آزاد مدیر گروه فیلم و نمایش شبکه چهار سیما به عنوان دبیر این اتاق فکر معرفی شدند تا در کنار محمود عزیزی، سعید کش‌فلاح، شهرام گیل‌آبادی و حسین مسافر آستانه به بررسی مسائل موجود در این حیطه تخصصی بپردازند.

پس از تشکیل این اتاق فکر در معاونت سیما در آبان‌ماه، صحبت‌های مختلفی پیرامون ماهیت، چگونگی شکل‌گیری، اهداف و وظایف آن شد. «رحمان سیفی آزاد» مدیر گروه فیلم و نمایش شبکه چهار سیما در اولین گفت‌وگوی خود پس از اعلام رسمی این خبر، با اشاره به اینکه اعضای این اتاق فکر مستقیماً از سوی معاونت سیما انتخاب می‌شوند، تصمیمات آن را دارای بار اجرایی و هدف آن را حل کلیه مشکلات موجود در عرصه تولید و نمایش تئاتر تلویزیونی دانست.

این در حالی بود که «علی‌دارایی» معاون سیما

با اعلام اینکه «همه تئاترهای تلویزیونی باید مبتنی

بر چهار اصل اخلاق، امید، آگاهی و دین باشند تا

با استفاده از ظرفیت‌های موجود در کشور و مراکز

آموزشی بتوانیم طرحی نو و جدید برای تئاتر را

سامان دهیم» و «باید ترتیبی اتخاذ شود که با

استفاده از متون خارجی در تله‌تئاترها، رابطه‌ای

معنادر با متون اسلامی- ایرانی وجود داشته باشد»،

به تبیین رویکرد خود در این زمینه پرداخت. با این

وجود، اهالی تئاتر معتقد بودند اتاق فکر نباید فقط

به بحث محتوایی و مضمون ورود کند چراکه بحث

ساختار در تله‌تئاترها آنقدر از شکل معیوب خود

لطمه دیده که نمی‌توان بی‌توجه به این مختصات

تکنیکی و فنی بود و از کنارشان ساده عبور کرد.

ایوب آقاخانی: هر کس با تعریف خودش

کار می‌کند

«ایوب آقاخانی» نمایشنامه‌نویس و کارگردان

تئاتر در این زمینه می‌گوید: «تعیین سیاست‌های

کلان رسانه و در عین حال طراحی سیاست‌ها باید

بنواند به شکل شبکه به شبکه تاثیر خود را بگذارد

و در این صورت است که می‌توان روی جلب نظر

مخاطبان و در یک نگاه کلی، فرهنگسازی کرد.

حساب باز کرد، اما در مورد اتاق فکری که در زمینه

تله‌تئاترها در سازمان صدا و سیما شکل گرفته یا

هر نوع اتاق فکر دیگری، باید بگویم من اصلاً به

این نوع نگاه اعتقادی ندارم.»

وی ادامه می‌دهد: «ممکن است بدون توجه به

تعاریف درست، عباراتی نظیر «اتاق فکر» این طور

طراحی شود که مدیریت در اداره صدا و سیما

شکل جزیره‌وار به خود بگیرد، یعنی به جایی

برسد که ایده‌هایش برای خودش کار کرد داشته

باشد و نتوان گفت در این ایده‌ها، بزواک جهانی

وجود دارد یا شبیه ایده‌های فلان رسانه در فلان

کشور است، چون همه چیز برای خودش مستقل

تعریف می‌شود.» این کارگردان تئاتر اضافه می‌کند:

«قطعاً تقویت فرهنگ در جامعه در درازمدت به

خاطر تدابیری است که از اتاق فکرها بیرون می‌آید.

یادمان باشد بزرگ‌ترین و موفق‌ترین سریال‌های

تلویزیونی که در فرهنگ مخاطبان سرتاسر دنیا

تاثیر گذاشته، اول در یک اتاق فکر از طرف صاحبان

فکرهای خلاق طراحی شده‌اند و پدید آمدن این

◀ **نورا حسینی**

سریال‌های موفق که از فرهنگسازترین عناصر رسانه محسوب می‌شوند، هیچ کدام‌شان جدا از این روند نبوده است.» آقاخانی می‌گوید: «بزرگ‌ترین عیب تئاتر تلویزیونی در کشور ما این است که هر کس با تعبیر خودش به تله‌تئاترها نزدیک می‌شود و تعریف مشخص‌شده‌ای وجود ندارد. تله‌تئاتر مرکز ارائه بازی‌های غلط و متون و کارگردانی‌های نه‌چندان سنجیده است و در نتیجه به نمونه یک تئاتر بد بدل شده است، به‌گونه‌ای که مخاطبان تلویزیونی

که بخشی از آنها نیامده‌اند در سالن بنشینند و تئاتر ببینند، این تله‌تئاترها را می‌بینند و تصورشان از تئاتر به‌گونه‌ای می‌شود که با خود تئاتر هم قهر کنند.» وی ادامه می‌دهد: «البته حرکت خوبی این اواخر رخ داده است، به این صورت که تله‌تئاترهای فرنگی را هم کنار تله‌تئاترهای وطنی نشان می‌دهند که این حداقل امکان قضاوت درست‌تر را برای مخاطبان فراهم می‌کند تا مخاطبان راحت‌تر در مورد تئاتر اظهارنظر کنند.» وی اظهار می‌دارد: «تا

به امروز خروجی خوبی در این زمینه وجود نداشته، ولی برای شناسایی کارهای بد خروجی داشته‌ایم. الان هم آنچه از زبان بعضی‌ها می‌شنوم، این است که وقتی می‌خواهند کاری را در روی صحنه نقد کنند و بگویند بد است، می‌گویند شبیه تله‌تئاتر است! یعنی تله‌تئاترهای ایرانی معیاری کاذب به مخاطبان داده و من از این بابت واقعاً متاسفم.» آقاخانی همچنین متذکر می‌شود: «اگر اتاق فکر تله‌تئاتر در صدا و سیما بتواند به تعریفی که ارائه کردم برسد و این‌گونه ضعف‌ها را توسط کارشناسان زبده فرهنگسای می‌کند تا مخاطبان راحت‌تر در مورد تئاتر اظهارنظر کنند.» وی اظهار می‌دارد: «تا

برطرف سازد، عملکردی موثر داشته است.»

داوود رشیدی: شفاف‌سازی اهداف

اما «داوود رشیدی» کارگردان و بازیگر تئاتر نیز

در این زمینه می‌گوید: «در سال‌های قبل از انقلاب

به واسطه مسوولیت‌م در بخش سریال‌ها و تئاترهای

شبکه یک و دو، به‌خاطر دارم که شورایی متشکل

از عده‌ای کارشناس تشکیل شده بود که آن شورا

کارهایی را که می‌رسید، مورد بررسی قرار می‌داد

و با کارگردان‌ها و صاحبان اثر صحبت می‌کرد. به

نظم اتاق فکر تله‌تئاترهای تلویزیون هم باید نظیر

چنین عملکردی داشته باشد. یعنی باید بتواند به

کارگردان‌های تئاتری که کارهای خوبی کرده‌اند

و سبک دارند، امکان کار کردن بدهد. باید هدف

مشخصی داشته باشد، ببیند هدفش چیست و

اینکه آیا می‌خواهد مردم را تشویق به دیدن تئاتر

کند؟ آیا می‌خواهد با تئاترهایی که بر صحنه اجرا

می‌شود، رقابت کند یا قصد دارد به آنها کمک

کند؟ من می‌گویم قطعاً باید اهداف این اتاق فکر

مشخص باشد.»

وی ادامه می‌دهد: «اتاق فکر باید به طرح و حل

مشکلات پیرامون تئاتر بپردازد. یکی از مشکلاتی

که تئاترهای تلویزیونی دارند، بودجه آنهاست. اینکه

تئاتر را به صورت یک سریال در چند قسمت پخش

می‌کنند، واقعاً خنده‌دار است زیرا اصلاً تئاتر را باید

یکسره دید. اگر از نظر زمانی نمی‌توانند سه ساعت

تئاتر را در یک شبکه پخش کنند، تئاترهایی با

مدت زمان کمتر را قبول کنند تا این کارها یکسره

پخش شوند و ببیننده همان یک دفعه تئاتر را دنبال

کند.» وی با اشاره به اینکه تصمیمات اتاق فکر در

تئاتر تلویزیونی باید مبتنی بر واقعیت‌ها باشد،

می‌گوید: «به تازگی در شبکه ۴ صحبت بود که



می‌کند، داشته باشی و بهتر است با چنین نگاهی این کار اشتباه است. به‌نظم باید نمایشنامه‌هایی را پخش کنند که تماشاگر بتواند با آنها ارتباط برقرار کند. یک نمایشنامه فرنگی یا ایرانی می‌تواند با مخاطب ما ارتباط برقرار کند و تماشاگر را فراری دهد بنابراین باید نمایشی انتخاب شود که تماشاگر آن را دوست داشته باشد و از دیدن آن لذت ببرد، ضمن آنکه چیزی هم از آن یاد بگیرد.»

رشیدی معتقد است: «اتاق فکر تله‌تئاتر باید هدف داشته باشد. اینکه چه چیزی از این اتاق بیرون می‌آید و آیا می‌خواهد به تئاتر کمک کند یا اینکه می‌خواهد فقط بر یک قشر فرهیخته تئاتر تاثیر بگذارد همگی از موارد مهمی است که باید مد نظر قرار داد.»

سیامک صفری: رواج ساخت تله‌تاتر با مدیوم سینما

سیامک صفری بازیگر تئاتر هم می‌گوید: «نقش اتاق فکر در زمینه تئاتر تلویزیونی باید به‌گونه‌ای باشد که بر نقاط قوت کارها اضافه کند و بتواند در عین حال تنوع‌بخش باشد.» او ادامه می‌دهد: «من خودم تله‌تئاتری به نام «هویت» کار کردم که از تلویزیون پخش شد و خیلی آن را دوست داشتم ضمن آنکه پر مخاطب هم بود. به نظر من اتاق فکر تله‌تئاتر باید با ارزیابی کارهای موفق روحیه دیگری به کارها بدهد و این تصور نباشد که حتماً تئاتر را به تلویزیون ببرند.» صفری می‌گوید: «اتاق فکر تله‌تئاتر در تلویزیون می‌تواند روی جذابیت تله‌تئاترها تمرکز کند و ببیند راهکار دستیابی به جذابیت در این عرصه چیست. به عنوان نمونه وقتی می‌کنند، واقعاً خنده‌دار است زیرا اصلاً تئاتر را باید یکسره دید. اگر از نظر زمانی نمی‌توانند سه ساعت تئاتر را در یک شبکه پخش کنند، تئاترهایی با مدت زمان کمتر را قبول کنند تا این کارها یکسره پخش شوند و ببیننده همان یک دفعه تئاتر را دنبال کند.» وی با اشاره به اینکه تصمیمات اتاق فکر در تئاتر تلویزیونی باید مبتنی بر واقعیت‌ها باشد، می‌گوید: «به تازگی در شبکه ۴ صحبت بود که



محمد یعقوبی

●.....▶ **شاپور عظیمی** ●

آن سوی آب‌ها، اصطلاحاً از این جیب به آن جیب است و در هر صورت به نفع مخاطبان داخلی است اما باید این را در نظر داشت که اگر دایره برخورد سلیقه‌ای با مضامین سریال‌ها در تلویزیون تنگ‌تر نشود، آن روز چندان دیر نخواهد بود که تلویزیون با ریزش مخاطب روبه‌رو خواهد شد. احتمالاً این بار امتحانش مجانی نخواهد بود. اگر سریال‌های تازه با کارگردان‌های شناخته‌شده سر از بازار نمایش خانگی درآورند، مخاطبان به سوی آنها میل خواهند کرد. بحث بر سر عرضه و تقاضاست. اتاق‌های فکر که به تازگی در تلویزیون افتتاح شده‌اند هرچه زودتر باید کاری بکنند. تلویزیون باید پرده را بردارد و بگذارد سریال‌هایش هوایی بخورند و داستان‌هایی برای ساخت در تلویزیون مجال ساخت پیدا کند که فاصله‌ای نجومی با زندگی مخاطبان نداشته باشند. پیش‌بینی ال‌رگزار بودن سریال‌های بازار نمایش خانگی در درازمدت کار دشواری نیست.

باشند و کمتر وقت کنند سراغ «شبیه‌کانال‌های تلویزیونی» آن سوی آب‌ها بروند. تازه‌ترین خبرها در زمینه گسترش سریال‌های تازه حاکی از این است که دو تن از کارگردان‌های موفق تلویزیون در سال‌های گذشته و اخیراً تمایل خود را برای ساخت سریال‌هایی که در بازار نمایش خانگی به نمایش درآیند، اعلام کرده‌اند. بیژن بیرنگ و حسن فتحی از آن دسته کارگردان‌ها در تلویزیون هستند که مختصات این رسانه را به خوبی می‌شناسند و اگر دست به کار شوند، محصول کارشان خشتی و بدون مخاطب نخواهد بود.

در این میان تلویزیون ما همچنان معتقد است حرفی در حد و اندازه خودش سراغ ندارد. هرچند موفقیت سریال‌های بازار نمایش خانگی با تلویزیون ما در جلب مخاطبان و در مواجهه با شبهه‌شبکه‌های

در برهوت مجموعه‌های خوب و باکیفیت سال جاری تلویزیون و در شرایطی که از نوروز تاکنون حتی یک مجموعه درجه یک روی آنتن شبکه‌های چندگانه سیما نرفته است شش‌دین نام مهدی فخیم‌زاده به عنوان کارگردان برجسته‌ای که به زودی تازه‌ترین ساخته خود را تحویل آنتن شبکه دوم سیما می‌دهد نویدبخش این بود که دست‌کم در یکی از شب‌های هفته بینندگان تلویزیونی کاری متفاوت با مجموعه‌های روتین و تکراری سیما را تماشا خواهند کرد اما با شروع پخش این مجموعه که از هفته اول پاییز اتفاق افتاد و پخش دو سه قسمت ابتدایی کار تنها نکاتی که به شکل برجسته‌ای به چشم آمدند همین عدم تکراری و کلیشه‌ای بودن و فقدان عنصری به نام خلاقیت در ساختار آن بود و این از خالق موفق‌ترین مجموعه پلیسی تاریخ تلویزیون طرف پنج دهه‌ای که از آغاز به کار این رسانه می‌گذرد بسیار بعید بود. اگرچه اقت کیفی ساخته‌های این هنرمند شناخته‌شده و خلاق سسینما و تلویزیون از سال ۸۴ و با مجموعه حس سوم و سپس با مجموعه بی‌صدا فریاد کن که پاییز سال ۸۶ پخش می‌شد آغاز شده بود و خاطره اثر متفاوت خواب و بیدار دیگر می‌رفت که به یک خاطره بی‌تکرار در ذهن بینندگان بدل شود اما کیفیت مجموعه «ساختمان ۸۵» چنان بود (و البته هست) که دیگر جای هیچ حرف و حدیثی را باقی نمی‌گذارد که هنرمند باتجربه و خلاق تلویزیون ایران در شیوه و سبک کاری خود دچار نوسانات فاحشی شده و تلویزیون فقیر ایران (به لحاظ همکاری با کارگردانان صاحب سبک) در حال از دست دادن یکی دیگر از چهره‌های مستعد خود است. شاید بهتر باشد مصداقی به قضیه نگاه کنیم و کار در حال پخش فخیم‌زاده را از جنبه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار دهیم.

سوژه اصلی مجموعه «ساختمان ۸۵» دستمایه‌ای است خوب و غیرکلیشه‌ای که دست‌کم در میان مجموعه‌های تلویزیونی ایرانی نمونه مشابه و حتی نزدیکی برای آن نمی‌توان یافت که البته انتخاب چنین سوژه‌های بکری در مجموعه کارهای فخیم‌زاده اتفاق غریبی نیست و در آثار پیشین او هم شاهد چنین نوآوری‌هایی بودیم که به عنوان یک مصداق عینی می‌توان به سوژه برخورداری یکی از کاراکترهای سریال «حس سوم» با بازی نسرین مقانلو اشاره کرد که از قدرت حس بویایی در حد و اندازه‌های مافوق انسانی برخوردار بود و همین مضمون مجموعه مذکور را به همه ضعف‌هایش دیدنی کرده بود. در این مجموعه اخیر هم ماجرای پیدا شدن جسد یک انسان در میان دیوارهای یک ساختمان دستمایه‌ای نوآورانه و بدیع به نظر می‌رسد اما افسوس که این نوآوری از فرط تکرارهای افراطی و ناچاپ به راحتی از دست رفته و در حال حاضر که سریال یک‌سوم آغازین پخش خود را می‌گذراند دیگر نه نقطه قوت مجموعه که نقطه ضعف و عنصر کسالت‌آور آن محسوب می‌شود. در عرض این ۸، ۹ قسمتی که از پخش مجموعه گذشته این موضوع



کشف جسد بارها و بارها و از زبان ده‌ها کاراکتر ریز و درشت این مجموعه بیان شده و با اینکه متجاوز از ۳۰۰ دقیقه از آغاز پخش سپری شده هنوز که هنوز است، کاراکترهای مجموعه در حال تعریف موضوعی برای هم هستند که در همان قسمت افتتاحیه مجموعه به شفاف‌ترین شکل ممکن برای بینندگان روایت شد و بی‌گمان حتی عام‌ترین بینندگان تلویزیونی هم از کم و کیف و چگونگی ماجرا اطلاع تام و تمام دارند.

اما تمام ضف این مجموعه به تکرار مکررات ختم نمی‌شود که در پرداخت مشکلات اساسی دیگری نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال تعداد کاراکترهای این سریال آنقدر زیاد است که هر دو سه قسمت یک بار چند سکانس معدود بازی به آنها می‌رسد و این کار همذات‌پنداری و برقراری ارتباط مداوم و مستمر با داستان را برای بیننده بسیار سخت و دشوار می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان به عدم حضور کاراکتر سردسته خلافکاران با بازی خود فخیم‌زاده در این مجموعه اشاره کرد که در یکی دو قسمت ابتدایی حضوری نسبتاً پرنرنگ داشت اما اکنون چندین و چند قسمت است که از او خبری نیست و احتمالاً بسیاری از بینندگان سریال تا حدود زیادی وجود این پرسوناژ و نقش او در کلیت داستان را از یاد برده‌اند. همین اتفاق در مورد کاراکتر بزهکار دیگری که رویا نونهالی (بازیگر همیشگی کارهای فخیم‌زاده) نقش او را بازی می‌کند هم افتاده و او هم با حضورهای جسته گریخته‌ای که در مقابل دوربین فخیم‌زاده داشت کیلومترها از شخصیت تاثیرگذار ناتاشا در مجموعه (خواب و بیدار) فاصله دارد.

ضعف دیگر این مجموعه را باید به چگونگی پرداخت سکانس‌های کار و نحوه دیالوگ‌نویسی فخیم‌زاده مربوط دانست که به گونه‌ای است که حتی برای تماشای یک قسمت از مجموعه هم حوصله و صبر بسیار بالایی را می‌طلبد. حتماً بینندگان ثابت این مجموعه سکانس‌های کسالت‌آور و خسته‌کننده دیالوگ‌گویی‌های آنتن پر کن و بی‌مصرف دو دختر دانشجوی رشته حقوق و نیز سرایدار ساختمان با ماموران پلیس مقیم در محل وقوع حادثه را به خاطر می‌آورند که حقیقتاً سکانس‌هایی هستند نفسگیر و در حال و هوای سریال‌های موفق و متفاوت پلیسی همچون فرار از زندان یا بیست و چهار که اصلاً به مخاطب اجازه و مجال فکر کردن و به قول معروف سر خاراندن هم نمی‌دهند تماشای آنها حوصله و بردباری فوق‌العاده‌ای را می‌طلبد.

سخن آخر اینکه هر چند فخیم‌زاده در گفت و گوی چهارشنبه گذشته‌اش با رامین حیدری‌فاروقی سعی کرد با طرح موضوعاتی همچون تغییر و تنوع در سبک کاری و پرداخت مبتنی بر تحلیل‌های روانشناسانه نقاط ضعف آخرین ساخته‌اش را تا حدودی توجیه کند اما شاید بهتر باشد به جای توسل به چنین دستاویزهایی برای مجموعه‌ها بهتر و کارشده‌تر آینده برنامه‌ریزی کند؛ مجموعه‌هایی که درخور نام و جایگاه هنری او باشند.

